

در گفت‌وگو با نمایندگان، مصوبه حمایت مجلس از افشاگران فساد و معضلات شفافیت بررسی شد

در دسر امضاهای طلایی

معصومه معظمی؛ طرح «سوت‌زنی» یا افشاکنده فساد، از جمله طرح‌هایی است که مجلس‌دهمی‌ها در دستور کار خود قرار دادند و مجلس‌یازدهمی‌ها آن را به سرانجام رساندند؛ طرحی همراه با حمایت‌های مادی و معنوی برای کسی که فسادی اقتصادی را برای مراجع ذی‌صلاح افشا کند...

صفحه ۳



دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۰ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۳ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۱۶ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: ایتالیا قوانین مهاجرتی را سخت‌تر می‌کند، نیم‌نگاهی تحلیلی به حواشی احتمالی توافق ایران با چین، سهم اندک زنان ایرانی در مدیریت **و یادداشت‌هایی از حمیدرضا اکبریور**، وحید عابدینی، نغمه دانش آشتیانی

آمارهای ادعایی تولید وصادرات نفت با در آمد نفتی همخوانی ندارد

بازی با نفت؟

۴

اصلاح نظام بازنشتنگی در فرانسه

گام اول مکرون برای تصویب اصلاحات جنجالی

۵

ساختمان روزنامه اطلاعات در لیست فروش شهرداری

۱۰

یاد



به یاد مرحوم محمد امیرمظاهری در سومین سالگرد درگذشتش

او که رفت؛ ولی ماند



سیدشهاب‌الدین طباطبایی

بعضی واژه‌ها و عبارات، عجیب ظرفیت دوگانه‌خوانی‌ای دارند. همین تیتیر سالنامه ۱۴۰۱ «شرق» را ببینید؛ «سالی که رفت؛ ولی ماند». مفهوم این تیتیر متناسب با حس عمومی و برانند برداشت صادقانه از وقایع سال درک می‌شود . هرچه فکر کردم برای پاسداشت مرحوم محمد امیرمظاهری، در سالگرد رفتش از این دنیا، واژه‌ای بهتر از این نیافتم: «او که رفت؛ ولی ماند».

در پایان سالی که رفت؛ ولی ماند و مخاطب این جمله با گوشت و پوست و استخوان و همه حواسش و تا ته وجودش خوب می‌داند که اسمال چگونه رفته و چگونه مانده، برای سومین‌بار رسیدیم به سالروز درگذشت ناباورانه مردی که رفت؛ ولی ماند. او که ظاهرا سه سال پیش رفته، اما هنوز تقریباً به همان وضوح و روشنی در ذهن و خاطره تک‌تک نزدیکان و رفقایاش مانده، انگار هنوز کسی باور ندارد که رفته است. برای این ماندنش با وجود رفتش، دو شاخص برجسته‌تر از بقیه ویژگی‌هایش به ذهنم می‌آید:

اول، محمد امیرمظاهری از آن آدم‌هایی بود که در زمان زنده‌بودنش، هم خودش زندگی کرد و هم برای زندگی دوستان و نزدیکانش دلسوز و مؤثر بود. لازم است تکرار کنم از نگاه او زندگی‌کردن شامل «در جمع لذت‌بردن از ثروتش» بود، خوشی زندگی را در جمع‌کردن پول نمی‌دانست، از جمع‌شدن دوستان در لحظه‌های خوش لذت می‌برد. به نظرم اینها بخشی از هنر زندگی‌کردن است که او داشت، و هرکس هنر زندگی دارد، می‌ماند.

دوم، او مصداق آدمی بود که با عوض‌شدن و سخت‌شدن شرایط، بر آنچه حرف زده بود، همچنان می‌ایستاد؛ حتی اگر هیچ چیز عادی نبود، او بر روال تعهدش عمل می‌کرد. حضورش به‌عنوان سرمایه‌گذار و حامی مالی روزنامه‌ها و مجلات در دوران سختی و توقیف تفاوتی با اوقات رونق و روزهای اوج مطبوعات نداشت. برخلاف سرمایه‌دارانی که به وقت خطر نابیدا و کم می‌شوند، در زمان تعطیلی روزنامه یا دستگیری روزنامه‌نگاران، پشتوانه قابل اتکایی بود که از ادامه حمایت و بلکه ضرردادن به وقت انتشارنیافتن هم شانه خالی نمی‌کرد. آدمی که در شرایط سخت می‌ماند، همیشه می‌ماند. خدایش رحمت کند او را که رفت؛ ولی ماند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶۱۱۹

www.sharghdaily.ir

ادامه در صفحه ۸

قلعه‌نویی سرمربی تیم ملی ایران شد

امیر؛ اپیزود دوم

روزهای بلاتکلیفی تیم ملی فوتبال ایران به پایان رسید و بعد از عصری به نسبت طولانی که هدایت این تیم به دست مربیان خارجی سپرده شده بود، امیر قلعه‌نویی به عنوان سرمربی جدید انتخاب شد. پرافتخارترین سرمربی تاریخ لیگ برتر ایران که همچنان با پنج عنوان قهرمانی با تیم‌های استقلال و سپاهان در لیگ برتر بکه‌تازی می‌کند...

صفحه ۹

«شرق» از روند تغییر فاز دیپلماسی منطقه‌ای ایران و تداوم بازخوردهای مثبت به آن در سایر کشورها گزارش می‌دهد

بحرین روی خط آشتی

امیر عبداللهیان: در موضوع تبادل زندانیان به یک توافق دست یافتیم؛ اگر همه چیز از طرف آمریکا خوب پیش برود، در روزهای آینده انجام خواهد شد

شرق: از زمان سفر گروسی به تهران و توافق با آژانس روند تحولات قدری مثبت شده و پویایی و تحرک به سیاست خارجی کشور بازگشته است. با توجه به روند اتفاقات مثبتی که در سایه توافق سه‌جانبه ظهر جمعه برای ازسرگیری مناسبات تهران و ریاض هم شکل گرفت و حجم کم‌سابقه‌ای از واکنش‌ها و استقبال کشورهای منطقه و جهان از این توافق، اکنون بستر و فضا برای احیای روابط معدود بازیگران باقی‌مانده در جهت احیای روابط هم فراهم شده است. در تازه‌ترین خبر بحرین هم تمایل به ازسرگیری روابط با ایران دارد؛ این موضوعی بود که در دیدار روز شنبه دو هیئت پارلمانی ایران و بحرین در حاشیه نشست صدوچهل‌وششم اتحادیه بین‌المجالس جهانی در منامه مطرح شد.

گزارش تیتیر که را در صفحه ۲ بخوانید



سراغ مهارت‌های کوهنوردی و توان بدنی را می‌گیرد. مواد غذایی را که برای چند وعده لازم داریم، برمی‌داریم و با لباس گرم و آمادگی برای یک کوهنوردی نیمه‌سنگین چندساعته به راه می‌افتیم. جایی ابتدای مسیر و کنار جاده قرار گذاشته‌ایم. مسیر شیب تندی دارد و نقصان کمی به شماره افتاده، در میانه راه برای نشان‌دادن ردپای انواع حیوانات و فضولاتشان می‌ایستیم تا هم نفس تازه کنیم هم یک نکته جالب بشنویم. از یک جایی به بعد می‌گوید آرام روی برگ‌های خشک قدم بردارید و حرف نزنید و ما متوجه می‌شویم اینجا دیگر محدوده امن جنگل است. بدون شک تجربه شب‌مانی در آن کلبه و گشت‌وگذاری که برای دیدن مرال‌ها و گرازها و پلنگ نادیده داشتیم، منحصربه‌فرد بود؛ مخصوصا که محمدباقر چلاوی، با لهجه محلی خود شب در کلبه برایمان خواند و همین‌طور که دردودل می‌کرد، گفت‌وگو هم کردیم. او مردی است که بدون هیچ چشمداشتی، خانواده خود را بیشتر روزهای سال رها می‌کند و به‌عنوان قرق‌بان در منطقه حفاظت‌شده حضور دائمی دارد.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

ترکیه فقیر، حاصل کارنامه اردوغان



اردوان امیراصلاتی

زمین‌لرزه‌ای که استان هاتای در ترکیه را ویران کرد و تلفات آن بالغ بر ۵۰ هزار نفر برآورد می‌شود، یکی از مرگ‌بارترین زلزله‌های قرن اخیر بود که باعث کاهش شدید محبوبیت حزب عدالت و توسعه شد. درواقع اردوغان به دنبال زلزله ایزمیت در سال ۱۹۹۹که منجر به شکست دولت بولنت اچویت در انتخابات پارلمانی بعد شد، به قدرت رسید. او به مردم ترکیه وعده بازسازی یک ترکیه مستحکم را داد و خواستار برقراری استانداردهای جدید برای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله شد. در همین راستا اخذ «مالیات ضد زلزله» در دستور کار قرار گرفت تا درآمد حاصل از آن برای ساخت بناهای مقاوم در مناطق پرخطر هزینه شود. این مقررات در مواجهه با نفوذ مستشریان اردوغان در بخش ساخت‌وساز که قوانین شهرسازی را همراه با اختلاس بیت‌المال جهت کسب منافع دور می‌زدند، چندان دوام نیاورد.

حمایت رئیس‌جمهور ترکیه از این بخش در راستای سیاست «پروژه‌های زیربنایی بزرگ» بود که شخص وی گاهی آن را «حماقت» توصیف می‌کند. برای مثال، فرودگاه جدید استانبول به‌عنوان یک پل بین‌قاره‌ای در استانبول با ظرفیت ۲۰۰ میلیون مسافر در سال که در سال ۲۰۱۸ و کاخ جدید ریاست‌جمهوری در آنکارا با ابعاد نامتناسب که در سال ۲۰۱۴ افتتاح شد. خوشبختانه پروژه کانال متصل‌کننده دریای سیاه به دریای مرمره به دلیل مخالفت شدید جامعه علمی و طراحان شهرسازی و به دلیل احتمال آسیب‌های زیست‌محیطی و تاریخی به مرکز استانبول به نتیجه نرسید. حکومت اردوغان بر مبنای خویشاوندسالاری و فساد است و عواقب انتخاب وی برای ترکیه فاجعه‌بار بوده است. باید شکست فجیع دیگری را نیز به این شکست افزود و آن تحقیر قدرت مفروض نسبت به دانش و تخصص است که منجر به یک مبارزه واقعی بین رئیس‌جمهور ترکیه و نخبگان کشور اعم از دانشگاهیان یا کارشناسان علمی شده است.

معصومه اصغری: بعد از فیلم کوتاهی که در آن یک خرس را با زنان محلی خودش می‌راند و دور می‌کند، بیشتر شناخته شده و تصاویر دوربین‌های تل‌های که چند پلنگ را به شکل هم‌زمان گرفته نقطه امیدی شده که هنوز زندگی گونه‌های جانوری در جنگل‌های منطقه حفاظت‌شده سیاه‌بیشه هراز آمل برقرار و حالشان خوب است. به او هم مانند بسیاری از محیط‌بان‌هایی که می‌شناسیم، پیش‌وند عمو داده‌اند و همه او را با نام «عمو باقر» می‌شناسند.

قرق‌بان این منطقه است و از همان اینستاگرام ارتباط گرفته‌ایم و یکی، دو ماهی است که پیغام و پیغام داده‌ایم و منتظریم بالاخره وقتی که دعوتمان می‌کند، برسد. می‌گوید برای آمدن به این منطقه باید آمادگی‌هایی داشته باشید و مهم‌ترین‌شان عشق به طبیعت و همراهی با آن است و بعد

یادداشت

جهات دیگری از توافق تهران و ریاض در پکن



فرخ نگهدار

اهمیت توافق تهران و ریاض در پکن و نقش نوظهور چین در معادلات قدرت در خاورمیانه تا آنجاست

که این توافق در تمام کشورها مورد توجه قرار گرفت. این رویداد در عمده‌ترین خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها بازتاب یافت و مورد تحلیل قرار گرفت. چین تا امروز در حل هیچ مناقشه بین‌الدولی که خود مستقیما یک طرف آن نباشد، شرکت و نقش‌آفرینی نداشته است. این شاید مهم‌ترین نقش‌آفرینی جمهوری خلق چین در مناقشات بین‌المللی از زمان تأسیس باشد. آنچه دیروز در پکن رخ داد، از چشم آمریکا هم یک نقطه عطف در مناسبات ابرقدرت‌هاست. اما کاملا بجاست که فعالان سیاسی ما از جهات دیگری نیز توافق‌نامه امروز ایران و عربستان را مورد توجه قرار دهند. موارد زیر در آن زمره‌اند.

۱- «سفر موفقیت‌آمیز گروسی» به تهران و از پی آن فضای بسیار ملایم اجلاس آژانس هسته‌ای نیز فکت دیگری است که باید علاوه بر گشایش در مناسبات تهران و ریاض مورد توجه قرار گیرد. تهران از این سفر و از این فضا ابراز خوشحالی و تل‌آویو از آن ابراز خشم کرد.

۲- بیرون‌کردن ایران اینترنشنال از بریتانیا و لغو امتیازنامه فعالیت آن در بریتانیا یکی از اصلی‌ترین مطالبات ایران از عربستان بوده است. این درخواست تا حدود زیادی اجابت شده است. دولت بریتانیا تاکنون واکنشی در این مورد نداشته. هر چند بسیار بعید است که مخالف این انتقال بوده باشد. هرچند که برخی این موضوع را به «افزایش تهدید تروریستی» یا شکایت خانم رحیم‌پور نسبت دهند.

۳- منشور شش‌نفره انتشار یافت. طبق این منشور موضوع فعالیت، برنامه عمل سیاسی و سمت‌گیری استراتژیک آنها بر محور مبارزه در خارج کشور و به هدف «افزایش انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی» تدوین شده است. بنابراین تغییر رفتار عربستان سعودی و اجلاس آژانس و رویکرد گروسی برای آنها هم دلسردکننده بوده است. مذاکرات هسته‌ای وین -البته اگر شروع شود- هم رویداد خلاف مسیری است که این منشور بیش پای امضاکنندگان گذاشته است.

ادامه در صفحه ۵

گذار تمدنی و فرصت تاریخی ملت‌ها



حجت میرزایی

در واپسین روزهای اولین سال از قرن پانزدهم مچری خورشیدی برای من پرسشی گریبان‌گیر و برای همه ایرانیان قابل بازپرسی و بازگویی است که در این گذار تمدنی جدید جهان کجا ایستاده‌ایم و نسبت‌مان با تحولات تمدنی و توسعه‌ای جهانی چیست. در یک سال گذشته چه گامی در این مسیر برداشته‌ایم؟ مدت‌هاست که گفتمان مسلط اندیشمندان ایرانی با مفاهیمی مانند «افول، زوال، گسیختگی و...» کره خورده است؛ بلکه بر این مفاهیم معنادار اما تلخ بنا شده است. دیزرمانی است که گفت‌وگوها و نوشته‌ها درباره روندهای کاهنده سرمایه اجتماعی و اعتماد، مهاجرت گروه‌های خلاق و نوآور و متخصصان و فرار سرمایه‌ها، روند کاهشی انباشت سرمایه مالی و فیزیکی، تخریب محیط زیست و زوال منابع آب، شفافیت و سلامت اقتصادی، کیفیت حکمرانی، محیط عمومی کسب‌وکار، رقابت‌پذیری اقتصادی و... نگرانی کسی را برنمی‌انگیزد و به روایت‌های تکراری شبکه‌های اجتماعی و محافل کارشناسی تبدیل شده است. به نودهای رشد فراینده فقر و بروز جلوه‌های فقر خشن، مهاجرت‌های درون‌سرزمینی و کاهش درآمد سرانه همراه با افزایش نابرابری عادت کرده‌ایم. به گزارش‌های دولت درباره افزایش فصلی چند دهم درصدی در ارزش افزوده یک بخش یا افزایش موضعی تولید یک محصول یا حتی یک بنگاه اقتصادی دل خوش می‌کنیم یا امیدواری‌مان به کاهش تورم یا کاهشی کوچک در نرخ ارز محدود شده است؛ اما این سرگرمی‌های روزمره و آن نگرانی‌های تکراری و دلخوشی‌های کوچک و موضعی‌شده مجال نمی‌دهد از خود بیرسیم در پایان قرنی که گذشت، از کجا به کجا رسیده‌ایم، اکنون در کجا ایستاده‌ایم و در پایان قرنی که آغاز کرده‌ایم، در کدام پله از نردبان توسعه جهانی خواهیم ایستاد؟ توسعه را با کوتاه‌ترین و سارترین تعریف می‌توان گذار تمدنی نامید. در هریک از انقلاب‌های فناوری گذشته این گذار تمدنی با تغییراتی بنیادین در سازمان و نظام تولید، ساختار و روابط اجتماعی، تولید سرانه و بهره‌وری و به دنبال آن سطح رفاه اجتماعی و جابه‌جایی قدرت‌های جهانی به‌روشنی دیده می‌شود. در هر عبور تمدنی گویی از جهانی به جهانی دیگر یا گذاشته؛ اما برخی در همان جهان‌های پیشین بازمانده‌اند؛ بلکه به حاشیه بی‌اهمیتی رانده شده‌اند. در انقلاب صنعتی قرن هجدهم برخی از مدعیان قدرتمند سیاسی و اقتصادی قرون پیش از آن مانند اسپانیا و پرتغال که قدرت‌های استعماری زمان خود بودند، از رقابت بازماندد و دست‌کم ۲۰۰ سال طول کشید تا بخشی از این شکاف تاریخی را جبران کنند. ایران قبایلی عصر صفوی که سهمی در تولید و تجارت جاده ابریشم داشت، با وجود برخی جلوه‌های فیزیکی تمدن مانند شاهکارهای معماری از همین عبور تمدنی در جا ماند تا جایی که در اوج توهم قدرت، تخت و تاج را به لشکر پابرهنه افغان واگذار کرد و نتایج این بازماندگی از رقابت در جنگ‌های ایران و روس و تحقیر ملی ایرانیان در دو قرن پیاپی خود را به طور کامل نشان داد. با چشم‌پوشی بر برخی نمونه‌های آفریقایی و آسیایی که به جهان چهارم سقوط کرده‌اند، توسعه‌ا امروزنی انباشتی دارد نه خطی؛ به این معنا که هر چه پیش‌تر آمده‌ایم با وجود تلاش و تکاپوها در اردوگاه جامانندگان از توسعه، شکاف میان آنها با توسعه‌یافته‌ها بیشتر و بیشتر شده است. با تمثیل داکلاس نورث، اگر تمدن بشری از پنج میلیون سال پیش تاکنون را معادل ۲۴ ساعت قرار دهیم، عمده تحولات تمدنی بشر در سه یا چهار دقیقه آخر (از ۱۰ هزار سال پیش تاکنون) رخ داده است و باز اگر این دوره جدید تمدنی از انقلاب کشاورزی تاکنون را معادل یک شبانه‌روز قرار دهیم، عمده تحولات در نیم ساعت آخر یعنی از زمان انقلاب صنعتی تاکنون رخ داده است. با همین سیاق اگر دوران انقلاب صنعتی تاکنون را ۲۴ ساعت برابر نهیم، باز همه تحولات بزرگ دنیای بشری در دو ساعت آخر یعنی از ۱۹۹۰ به این سو رخ داده است. مراد آنکه دنیا نیاستاده تا ما به آن برسیم. دنیا راه خود را می‌رود و بنای ایستادن هم ندارد و این راهپیمایی لحظه به لحظه شتاب بیشتری می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۵